

The Role of Fiduciary in Socio-Political Development From the Perspective of Quran and Narrations^۱

Seyed Kazem Seyed Bagheri

Associate Professor, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran, Iran
(Corresponding Author). sbaqeri۶۶@yahoo.com

Fatima Ziyai

MA, Rafsanjan Seminary, Rafsanjan, Iran. ziaei۱۳۶۶@gmail.com

Masoumeh Ziaee

MA, Rafsanjan Seminary, Rafsanjan, Iran. masomehzya@yahoo.com

Abstract

The present study aims to explain the role of fiduciary duty in religious teachings on socio-political development. One of the important educational principles of Islam is maintaining trusteeship. Because God has placed man with the will and authority to achieve perfection, which is the final growth and progress of man, by maintaining the divine trust. Therefore, the trustee believes in maintaining the trust for personal and socio-political development. The present study seeks to answer the question according to religious teachings, what role does fiduciary play in socio-political development? The research method was descriptive-analytical. The results showed that according to the teachings of Islam, fiduciary duty has two instances of commitment and expertise that lead to professional meritocracy and committed meritocracy and socio-political progress, and non-adherence to any of them leads the Islamic society to backwardness.

Keywords: Quran, Fiduciary, Socio-political responsibility, Meritocracy.

^۱ Received: ۲۰۲۰/۰۱/۰۸ - Revision: ۰۰۰۰/۲۲/۱۲ - Accepted: ۲۰۲۰/۳۳/۱۸

**© the authors

نقش امانت‌داری در پیشرفت سیاسی - اجتماعی از منظر قرآن و روایات^۲

سید کاظم سید باقری

دانشیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). sbaqeri66@yahoo.com

فاطمه ضیایی

کارشناسی ارشد، حوزه علمیه رفسنجان، رفسنجان، ایران. ziaei6666@gmail.com

معصومه ضیایی

کارشناسی ارشد، حوزه علمیه رفسنجان، رفسنجان، ایران. masomehzya@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش امانت‌داری در آموزه‌های دین بر پیشرفت سیاسی اجتماعی نگاشته شده است. یکی از اصول مهم تربیتی اسلام حفظ امانت است، زیرا خدا انسان را با اراده و اختیار قرار داده تا با حفظ امانت الهی و با بهره‌مندی از آن به کمال که همان رشد و پیشرفت نهایی انسان است، دست یابد. بنابراین فرد امانت‌دار، به حفظ امانت در جهت رشد فردی و سیاسی-اجتماعی ایمان دارد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که با توجه به آموزه‌های دینی، امانت‌داری چه نقشی در پیشرفت سیاسی-اجتماعی ایفا می‌کند؟ روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که طبق آموزه‌های اسلام، امانت‌داری دارای دو مصداق تعهد و تخصص است که به شایسته‌سالاری متخصصانه و شایسته‌سالاری متعهدانه و پیشرفت سیاسی-اجتماعی می‌انجامد و عدم التزام به هر کدام، جامعه اسلامی را به سوی عقب‌ماندگی می‌برد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، امانت‌داری، مسئولیت سیاسی-اجتماعی، شایسته‌سالاری.

مقدمه

یکی از راه‌های برون‌رفت کشورهای اسلامی از عقب‌ماندگی و سوق یافتن به رشد و پیشرفت، مراجعه دقیق و روشمند به آموزه‌های دین است که مقصد نهایی اش اعتلای جامعه اسلامی است؛ برای به‌دست آوردن راهکارهای کارگشا برای پیشرفت جوامع اسلامی، باید نگاه درونی به آموزه‌های دینی داشت و در چهارچوب احکام و ارزش‌های الهی پژوهش‌های روشمند و مدقانه انجام داد.

پژوهش پیش‌رو به دنبال واکاوی امانت از منظر اسلام و نقش امانت‌داری به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی اخلاقی، در پیشرفت سیاسی-اجتماعی است. شکوفایی و پیشرفت در گرو توأم داشتن تعهد و تخصص به‌عنوان دو مصداق امانت است؛ چنانچه فقدان هر یک از آن دو به رکود جامعه منجر می‌گردد. از منظر اسلام از جمله شاخصه‌های پیشرفت جامعه در همه ابعاد امانت‌داری است، چنانچه خداوند، جهان هستی و زمین را به‌عنوان امانت در اختیار بشر قرار داده تا به آبادانی و بهره‌مندی از آن بپردازد برای رسیدن به کمال و سعادت. از این‌رو خدای متعال، در آیاتی انسان را به بهره‌گیری از منابع طبیعی فراخوانده و به روش آبادانی آن اشاره می‌نماید و می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود، ۶۱) او شما را از زمین پدید آورد و در آن را استقرار داد. و «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه، ۱۰) و «فامشوا فی مناكبها» (ملک، ۵) روی دوش زمین راه بروید و روزی بگیرید. لازمه فرمان خدا تلاش برای استخراج معادن، کشاورزی، صنعت و تولید از مواد خام طبیعت برای فراهم کردن زندگی مناسبی است که از طریق آن به کمال و سعادت واقعی دست یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۹). در مقابل در آیات مختلفی از فساد بر روی زمین نهی کرده است که همان خیانت در امانت الهی است^۳ زیرا خداوند انسان را خلیفه‌الله در زمین قرار داده که با اراده و اختیار به حفظ امانت الهی بپردازد و با بهره‌مندی از آن به کمال و قرب الهی که همان رشد و پیشرفت نهایی انسان است، دست یابد. فرد امین، به حفظ امانت در جهت تحولات مثبت فردی و اجتماعی ایمان دارد و در عرصه اعمال قدرت، هرگز استبداد نمی‌ورزد و از امتیازها و فرصتهایی که در اختیارش وجود دارد، سوءاستفاده نمی‌کند.

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی آموزه‌های قرآنی و روایی پیرامون مقوله اخلاقی امانت‌داری می‌پردازد و در جستجوی رابطه این اصل اخلاقی با مسئله پیشرفت سیاسی-اجتماعی است و بر این فرضیه تاکید دارد که از منظر اخلاق سیاسی-اجتماعی اسلامی، امانت‌داری را می‌توان در دو عرصه شایسته‌سالاری متعهدانه و شایسته‌سالاری متخصصانه، رصد و پیگیری کرد، دو امری که نقشی کلیدی در پیشرفت سیاسی-اجتماعی جامعه اسلامی بازی می‌کنند. تلاش شده است تا با مراجعه به آیات قرآن کریم و روایات، به تحلیل مقوله تأثیرگذار امانت‌داری و تبیین مصادیق، به رابطه مستقیم آن در رشد و پیشرفت جامعه پرداخته شود.

۳. از جمله آیات: ۶۰ بقره که می‌فرماید: «قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» و همچنین ۸۵ هود: «وَأَيُّ قَوْمٍ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» و نیز ۷۴ اعراف که فرموده: «وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَاكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأْنَا فِي الْأَرْضِ تُحْدِثُونَ مِنْ سُهُولِهَا فُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ».

امانت بودن مسئولیت

در اندیشه دینی و آموزه‌های اخلاق سیاسی، از حکومت و مسئولیت، به امانت تعبیر شده است و حاکم و مسؤول باید امانت خویش در خدمت به مردم و پاسخ در برابر کارهایی که انجام می‌دهد، ادا نماید، شهید مطهری درباره این آیه که آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا لِلْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (نساء، ۵۸) خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید»؛ می‌نویسد که قرآن کریم، حاکم و سرپرست اجتماع را به عنوان امین و نگهبان اجتماع می‌شناسد، حکومت عادلانه نوعی امانت است که به او سپرده شده و باید ادا نماید. برداشت ائمه دین و به‌ویژه شخص امیرالمؤمنین علی (ع) عیناً همان چیزی است که از قرآن کریم استنباط می‌شود (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۹۱). ایشان در این باره به آشکاری بیان داشته‌اند که: «فَأَنْصِفُوا النَّاسَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ، وَأَصْبِرُوا لِحَوَائِجِهِمْ، فَإِنَّكُمْ خَزَانُ الرَّعِيَّةِ، وَوُكَلَاءُ الْأُمَّةِ، وَسَفَرَاءُ الْأَنْمَةِ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۶)». پس داد و انصاف مردم را از خود بدهید و در برآوردن نیازها و حاجت‌های آنان شکیبایی ورزید، که شما گنجوران و خزانه‌دار رعیت، نمایندگان امت، سفیران امامان و حکومت هستید.

مسئولیت، امانت است و فردی که مسئولیتی را می‌پذیرد، باید در قبالتش متعهد به درست انجام دادن آن باشد، والا خیانت در امانتی است که به وی محول گردیده، و این مهم میسر نمی‌گردد مگر در پرتو ایمان زیرا خدا مؤمنین را چنین توصیف نموده و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ آنان که امانت‌دارند و پیمان خویش را مراعات می‌کنند» (مؤمنون، ۸). کلمه «رعایت» به معنای حفظ است و آیه مورد بحث مؤمنین را به حفظ امانت و خیانت نکردن به آن و حفظ عهد و نشکستن آن، توصیف می‌کند و حق ایمان هم همین است که مؤمن را به رعایت عهد و امانت وادار سازد، چون در ایمان معنای سکون، استقرار و اطمینان نهفته، وقتی انسان کسی را امین دانست و یقین کرد که هرگز خیانت ننموده، پیمان نمی‌شکند، قهراً دلش بر آنچه یقین یافته مستقر، ساکن و مطمئن می‌شود و دیگر تزلزلی به خود راه نمی‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۲).

چنانچه امام علی (ع) درباره این موضوع خطیر به یکی از افراد منصوب خود چنین می‌فرماید: «اعْلَمْ يَا رِفَاعَةُ أَنَّ هَذِهِ الْأَمَارَةَ أَمَلَنَهُ فَمَنْ جَعَلَهَا خِيَلَةً فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...؛ بدان ای رفاعه! این امارت، امانت است. هر کس که در امانت، خیانت کند، لعنت خدا تا روز قیامت بر او باد!...» (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۱؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳۰، ص ۱۱۸). پس کسی که ایمان داشته باشد، امانت‌دار است و هرگز خیانت در امانت نمی‌کند و لعن خدا برای کسی است که خیانت در امانت داشته باشد از هر دو حیث تعهد و تخصص که دو مصداق امانت‌داری است که در ادامه به تفصیل بدان پرداخته خواهد شد.

امانت‌داری صاحبان قدرت

در وهله اول امانت‌داری دولت‌مردان جامعه اسلامی نسبت به ملت حائز اهمیت است؛ زیرا به عنوان الگو عملکردشان مورد دقت آحاد ملت واقع می‌گردد و علاوه بر آن دولت‌مردان و متصدیان امور جامعه مسؤول هستند در قبال زیردستان خود چنانچه پیامبر (ص) می‌فرماید: «فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَهُوَ الْمَسْئُولُ عَنْ رَعِيَّتِهِ...» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۹؛ دیلمی،

۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۴) و در کلامی دیگر واضح به امانت بودن مسئولیت پذیرفته شده و شرایط پذیرش آن تاکید دارند و چنین فرمودند: «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُسْلِمِينَ»؛ کسی که کاری از امور مسلمانان را برعهده گیرد در صورتی که می‌داند فرد مناسب‌تری برای آن وجود دارد، به خدا و رسول او و همه مسلمانان خیانت کرده است» (امینی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۹۱) علی (ع) نیز در عرصه سیاسی - اجتماعی وظیفه مسئولین را به وضوح مشخص نموده‌اند و در نامه‌اش به «اشعث به قیس»، عامل آذربایجان می‌نویسد: «حاکم نباید قدرت را طعمه خویش سازد، بلکه باید آن را امانت در جهت افزایش و رشد اخلاق در جامعه به کار گیرد» «وَ إِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» و در ادامه آن حضرت تاکید دارد که حاکم نمی‌تواند هرگونه که خواست با مردم رفتار کند و می‌فرماید: «لَيْسَ لَكَ أَنْ تَفْتَتَا فِي رِعْيَةٍ»؛ تو را حقی نیست که در امور رعیت به دلخواه رفتار کنی» (نهج البلاغه، نامه ۵)، حضرت در بیانی دیگر تاکید دارند که حاکم و به‌طور کلی هر شخص مسئول و متصدی امری در جامعه نباید چون حیوانی درنده‌خو باشد که خوردن آنان را غنیمت شمرد: «وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ»؛ چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۶).

امانت‌داری شهروندان نسبت به یکدیگر

یکی از دیگر ساحت‌های مهم این بحث، امانت‌داری شهروندان و آحاد ملت نسبت به یکدیگر در جامعه اسلامی است. چنانچه همه مسلمین در قبال یکدیگر مسئولند، حضرت رسول (ص) طی فرمایشی که چند سطر پیش به مناسبت بحث به قسمتی از آن پرداخته شد، به‌صورت مفصل در این رابطه می‌فرماید: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالْإِمَامُ رَاعٍ وَ هُوَ الْمَسْئُولُ عَنْ رَعِيَّتِهِ ... وَ الْخَادِمُ (الْعَبْدُ) فِي مَالِ سَيِّدِهِ رَاعٍ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۲۹؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۴) همه شما مردم همانند چوپان هستید همچنان‌که او مسئول حفاظت و نگاهداری گوسفند است شما هم مسئولیت سنگینی به‌عهده دارید نسبت به‌زیر دستان، ... و خدمتکار مسئول اموال مولا و آقای خود می‌باشند، آگاه باشید که هر کس مسئولیتی بر عهده او است و وظایف و تکالیفی نسبت به‌دیگران دارد (دیلمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۲۵۰).

روایت بالا به صورت رتبه‌ای مسئولیت‌طیف‌های مختلفی را بیان نموده است. در این کلام ابتدا به‌طور کلی مسئولیت تمام افراد جامعه نسبت به یکدیگر را مطرح نموده و سپس مسئولیت پیشوا، حاکم یا هر صاحب قدرتی نسبت به زیر دستان در جامعه و در قسمتی دیگر از روایت حتی خدمتکار نسبت به اموال صاحبش هم مسئولیت دارد و در انتها نیز مجدد برای تاکید، عبارت کلی اول را تکرار نموده است که نشان از اهمیت توجه آحاد اجتماع در قبال امانت و مسئولیتی است که نسبت به یکدیگر دارند و همه افراد نسبت به مسئولیتی که دارند باید امانت‌دار باشند.

مصادیق امانت‌داری در مسئولیت سیاسی - اجتماعی

در پذیرش مسئولیت و انجام وظیفه دو نوع امانت‌داری وجود دارد، یکی داشتن تعهد و دیگری داشتن تخصص که فقدان هر یک باعث خیانت در امانت می‌گردد. کسی که نسبت به کاری که عهده‌دار شده تعهد نداشته باشد هرچند دارای تخصص باشد، خیانت می‌کند. در مقابل شخصی هم که در مسئولیتش، تخصص نداشته باشد، هرچند دارای تعهد باشد، خیانت نموده است؛ زیرا چنین شخصی به خاطر نداشتن تخصص در کار، آن را تضییع نموده است. در واقع عهده‌داری

امری که در تخصص انسان نیست، مصداق رعایت نکردن امانت است. در اینجا با توجه به آموزه‌های دینی به تفصیل امانت‌داری با دو مصداق آن و تأثیر و رابطه‌اش با پیشرفت پرداخته می‌شود.

در فرهنگ و اندیشه سیاسی اسلام، به موضوع امانت‌داری در اعمال قدرت، بسیار توجه شده است. در سوره یوسف و قدرت‌یابی حضرت یوسف (ع) نیز به صراحت می‌توان همراهی قدرت و امانت و ضرورت امین بودن را برای شخص قدرتمند، مشاهده کرد. خداوند به نقل از پادشاه مصر بیان می‌کند که: «وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتِنِي بِهِ اِسْتَخْلَصَهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ» (یوسف، ۵۴)؛ گفت یوسف را نزد من آورید، تا وی را خاص خود کنم». پس چون با او سخن راند، گفت: «تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی». اصل در لغت، «مکن» استقرار همراه با قدرت است که از آثار آن، بزرگی، بالایی، پادشاهی، قدرت و شدت است (مصطفوی، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۱۵۰)، لذا، قدرت او همراه با «امین» بودن است.

به هنگام ارائه این پیشنهاد از سوی عزیز مصر، حضرت یوسف (ع)، پیشنهاد خزانه‌داری و مدیریت کشور را مطرح کرد و باز به این نکته اشاره کرد که او «نگاهبان»، امانت‌دار و داناست (سید باقری، ۱۳۹۴، ص ۲۰۷). یوسف گفت: قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ (یوسف، ۵۵)؛ مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار، که من نگاهبانی دانا هستم». در روایت آمده است که دو ویژگی «حفیظ» و «علیم» برای آن بود که او به آنچه که در زیر دستش بود، حافظ و نگاهبان بود و عالم به هر زبان (شیخ صدوق، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲۵). قبل انتخاب مسئولیت از سوی یوسف (ع)؛ پادشاه مصر به وی به‌طور مطلق «مکین امین» اطلاق کرد که در آنچه بخواهد، آزاد و بر جمیع شؤون مملکت، امین است. این مکانت و امانت برای ایشان، عمومی و بدون هیچ قید و شرطی است. بعد از آنکه شاه، فرمان مکانت و امانت یوسف را به‌طور مطلق صادر کرد، یوسف از او درخواست نمود که او را به وزارت مالیه و خزانه‌داری منصوب کند و یوسف (ع) درخواست خود را چنین تعلیل کرد که من حفیظ و علیم هستم؛ زیرا این دو صفت از صفاتی است که متصدی آن مقام و مسئولیت، لازم دارد و بدون آن دو نمی‌تواند چنان مقامی را تصدی کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۴). بنابراین، یوسف (ع) در انتخاب مسئولیت با توجه به امانتی که به‌صورت مطلق به ایشان داده شد، دو مصداق امانت‌داری که هر شخص امین باید داشته باشد را در خود یادآور شد. «حفیظ» است یعنی از امور نگاهبانی و مراقبت می‌شود تا در مسیر خیانت و نادرستی نیافتد و «علیم» است یعنی آگاه است به این که آیا افراد شایستگی بر امور را دارند یا ندارند: «احفظ الشيء أن يجرى فيه خيانه، علیم بمن يستحق منها شيئاً أو لا يستحق» (حسینی موسوی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۹۷).

پادشاه چنین اندیشید که زمامداری و خزانه‌داری را به یوسف واگذارد تا در امور کشور او را یاری کند؛ اینکه عزیز مصر، یوسف (ع) را خاص درگاه خود کرد به دلیل آن بود که او به خردمندی نیاز داشت تا بیاندیشد و اراده‌ای که استوار باشد و امانت‌داری که حافظ منافع باشد و این صفات را در بیشتر پیرامونیان خود نمی‌یافت، به دلیل آنکه آنان مطامع و هواهای نفسانی خود، گرد شاه جمع شده بودند. حال آنکه یوسف، در شخصیت خود، دارای امانت‌داری، قدرت و اطمینان بود. به همین دلیل در برابر دیگران، شاه به جایگاه یوسف اشاره کرد و اینکه ما او را امین بر هر امری قرار می‌دهیم، پس هر مسئولیتی که می‌خواهی طلب کن (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۲۳۰). لذا، در حضرت یوسف (ع)، تعهد و تخصص، علم و امانت‌داری، حضور می‌یابد و جامعه مصر را هم از خشکسالی نجات می‌دهد و هم رو به پیشرفت می‌برد.

روایات نیز به این امر تاکید نموده‌اند، چنانچه امام صادق (ع) برای رونق یافتن و پیشرفت در کار، ویژگی‌هایی را برشمردند؛ اما امانت‌داری را پایه ثابت برای پیشرفت معرفی نمودند و می‌فرمایند: «ما ابالی الی من ائتمنت: خائنا او مضیعا»؛ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۰۰؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۵؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۳، ص ۱۱۸). از نظر من فرق نمی‌کند، کار به خائن واگذار شود یا به کسی که به‌خاطر فقدان تخصص و مهارت تضييع می‌کند. به روشنی این حدیث تضييع و خرابکاری ناشی از عدم تخصص را به منزله خیانت معرفی نموده که نقطه مقابل امانت است و تاکید به همراهی تعهد و تخصص که در آیه با تعبیر حفیظ و علیم وارد شده است؛ در روایت نیز وجود دارد.

با دقت ویژه در کلام حضرت یوسف (ع) در آیه شریفه و روایت، می‌توان دریافت که خیانت در امانت فقط به تاراج بردن مال دیگران نیست بلکه شخصی که مسئولیت، سمت، کار و حرفه‌ای هم به او سپرده شود، درحالی که وی به‌خاطر عدم تخصص، آن را تضييع نماید؛ به واقع نسبت به آن خیانت نموده و امانت‌دار نبوده است؛ چنانکه یوسف (ع) در آیه به هر دو نوع امانت‌داری، تاکید دارد هم به حفیظ بودن و هم علیم بودن خویش نسبت به تصدی امر که علاوه بر تعهد داشتن نسبت به آنچه برای خدمت به خلق در اختیارش گذاشته می‌شود، به کاردانی و آگاهی خویش نیز اشاره دارند که از این جهت هم امین و مورد اعتماد هستند نسبت به تضييع نگردیدن کار.

بنابراین، تعهد و تخصص دو عامل مهم در پیشرفت هر اجتماع محسوب می‌شود، و همراهی این دو عین رعایت امانت‌داری است و در مقابل رکود و عدم پیشرفت هر اجتماع نیز یا از عدم آگاهی، تخصص و مهارت ناشی می‌شود یا از عدم تعهد به موازین و وجدان کار به منزله خیانت است.

امانت‌داری، شایسته‌سالاری متعهدانه و پیشرفت سیاسی-اجتماعی

تعهد در هر امری که انسان عهده‌دار آن می‌شود، مصداقی از امانت‌داری است. رعایت اصل شایسته‌سالاری معیار مورد تاکید امام علی (ع) در انتخاب کارگزاران خویش است که داشتن تعهد و به عبارتی پابندی به ارزش‌های دینی و تقوا یکی از ملاک‌های شایسته‌سالاری حضرت است. از منظر امام علی (ع) اگر کسی تعهد نداشته باشد، شایستگی ندارد و فردی که شایستگی نداشته باشد، امانت‌دار نیست. چنانچه ایشان با تاکید بر داشتن تعهد برای رشد و پیشرفت به‌واسطه علم می‌فرمایند: «و بالایمان یعمر العلم، (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۹) به وسیله ایمان (باور و تعهد) است که علم و دانش آباد می‌گردد، بنابراین وجود تعهد در کنار تخصص نتیجه‌بخش است و باعث پیشرفت می‌شود و عدم تعهد، زمینه ایجاد فساد را فراهم می‌کند که یکی از موانع مهم پیشرفت محسوب می‌شود، پس، لازمه پیشرفت سیاسی جامعه، امانت‌داری و شایسته‌سالاری متعهدانه است.

پیامبر (ص) در سخنی به معیار شایسته‌سالاری متعهدانه تاکید دارند و می‌فرمایند: «مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنْ فِيهِمْ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُ وَ أَعْلَمُ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ» (امینی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۹۱)؛ کسی که کاری از امور مسلمانان را بر عهده کسی گذارد در صورتی که می‌داند فرد مناسب‌تری برای آن وجود دارد، که به کتاب خدا و سنت پیامبر دانای‌تر است، به خدا و رسول او و همه مسلمانان خیانت کرده است» با توجه به روایت، حضرت تاکید به معرفت و شناخت فرد مسئولیت‌پذیر نسبت به قرآن و سنت دارند و واضح است کسی که شناخت نسبت به کلام خدا و رسولش داشته باشد و به آن عمل کند، شخصی متعهد و با تقواست و نسبت به مسئولیتی که پذیرفته است انجام وظیفه خواهد کرد و خیانت نمی‌کند، به همین علت ایشان، تاکید بیشتری در متن کلامشان دارند، اگر به شخصی

مسئولیتی واگذار گردد که فرد متعهدتر و اصلح نسبت به او وجود داشته باشد، این عملکرد خیانت به خدا و رسول و همه مسلمین محسوب می‌گردد.

امام علی (ع) نیز به شایسته‌سالاری متعهدانه در جاهای مختلف توصیه اکید دارند: «مَنْ اسْتَعْمَلَ خَائِنًا فَإِنَّ مُحَمَّداً (ص) بَرِيءٌ مِنْهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ هر کس که خائنی را به کار گمارد، حضرت محمد (ص) از او در دنیا و آخرت بیزار است» (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۱؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳۰، ص ۱۱۸). امام علی (ع) عاقبت امر مسئولی که شخص خائنی را به تصدی کاری قرار دهد چه از حیث متعهد نبودن نسبت به آنچه در اختیارش قرار می‌گیرد و چه از جهت عدم تخصص در کار که منجر به تضییع آن شود؛ بیزاری پیامبر (ص) و دوری از رحمت الهی در دنیا و آخرت می‌داند و این نتیجه عدم رعایت امانت‌داری و تعهد نسبت به مسئولیتی است که مسئولین امر به عهده می‌گیرند و غیر متعهدانه و بدون در نظر داشتن ملاک‌های شایسته‌سالاری افرادی را که فاقد شایستگی‌اند را به کار می‌گمارند. آنان با این عمل، مانع رشد و پیشرفت جامعه اسلامی در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی می‌شوند و آن را از رسیدن به اهدافش باز می‌دارد.

امانت‌داری، شایسته‌سالاری متخصصانه و پیشرفت سیاسی - اجتماعی

یکی دیگر از مصادیق امانت‌داری، شایسته‌سالاری متخصصانه است. داشتن تخصص، یکی از معیارهای شایسته‌سالاری برای گزینش افراد در واگذاری مسئولیت است. بنابراین برای عهده‌داری هر امری لازم است، شخص قدرتمند امین در کنار تعهد خویش از تخصص بهره‌مند باشد؛ زیرا تعهد بدون تخصص امانت‌داری را به وجود نمی‌آورد و امانت‌داری باید متعهدانه و متخصصانه باشد و این دو ویژگی در شخص امین باید همراهی داشته باشد، به همین علت شخصی که به ظاهر متعهد است اما در پذیرش مسئولیت و امور جامعه، تخصص ندارد، به واقع متعهد هم نیست زیرا که امانت‌دار نیست. امام علی (ع) که یکی از خطوط برجسته حکومتی‌شان شایسته‌سالاری است، برای انتخاب کارگزار ملاک شایسته‌سالاری متخصصانه را گوشزد نموده که برای هر کاری شخصی انتخاب شود که متخصص با تجربه و دارای مهارت باشد و خطاب به مالک اشتر برای انتخاب کارگزار می‌فرماید: «ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَغْمِلْهُمْ اخْتِياراً وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ؛ در امور کارگزارانت بنگر و پس از آزمایش به کارشان برگمار، در میان گروهی بجوی که اهل تجربه باشد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۷). اهمیت این مسئله را از سخن امام رضا (ع) نیز می‌توان فهمید که برائت‌جویی از کسانی که اختیار را کنار گذاشتند، مطرودین رسول خدا را پناه دادند و نایخردان را به کار گرفتند، از نشانه‌های اسلام خالص معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۳۵۸، ۲۶۳). حضرت، مشکلات جامعه اسلامی از جمله بی‌عدالتی، تبعیض، فقر و محرومیت که همه بر عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت جامعه تأثیر گذارند، عامل به کار گماردن جاهلان و اشخاص سفیه و ناآگاه می‌دانند. چنانچه آیه شریفه نیز به این مهم تأکید دارد و می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» (نساء، ۵). بنابراین، سفاهت که قرآن از اعتماد کردن به آن نهی نموده، در اینجا به معنی فاقد آگاهی است (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۳۱۶). در احادیث برای «سفیه» معانی متعددی بیان شده، یکی از آنها «مَنْ لَّا تَتَّقُ بِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۳۶۹) است، کسی که به او اعتماد نمی‌توان کرد». در این صورت می‌توان سفیه را هم به شخص غیر

۴: «وَعَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» قَالَ مَنْ لَّا تَتَّقُ بِهِ»

متعهد معنا کرد، هم به شخص فاقد تخصص. انسان امانت‌دار از هر دو حیث یعنی صاحب قدرت، متعهد و متخصص است و باعث پیشرفت سیاسی- اجتماعی می‌گردد. در مقابل انسان خائن، خواه متعهد غیر متخصص باشد یا متخصص غیر متعهد، مانع پیشرفت جامعه می‌شود. یکی از راه‌های برون‌رفت از رکود اجتماع و سوق دادن آن به سمت پیشرفت سیاسی- اجتماعی، سپردن تصدی امور به اشخاص امین است که دارای هر دو نوع شاخص رعایت امانت باشد.

از این رو پیشرفت و شکوفایی اجتماع علاوه بر داشتن تعهد نسبت به کار و مسئولیت، در گرو تخصص و مهارت نیز هست. چنانچه واگذار کردن کار به کسانی که از نظر فن و اداره جامعه و تدبیر امور جامعه و اعمال قدرت و دیگر مسائل اجتماعی، فاقد تخصص لازم‌اند، باعث عقب‌ماندگی، نابسامانی فقر و محرومیت خواهند بود. به همین علت در فرهنگ و اندیشه سیاسی اسلام، اهمیت علم، شناخت و مهارت در هر کار بیان گردیده است. پیامبر (ص) نیز در این رابطه می‌فرماید: «من عمل علی غیر علم، کان ما یفسد أكثر ممّا یصلح (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۷)؛ هر کس بدون علم به کار، عملی انجام دهد، بیش از آنکه آباد کند، خراب می‌کند».

بی‌شک مهارت و تخصص هر فرد در واقع به‌مثابه دارایی و ثروتی است که در اختیار اوست و همان‌طور که دارایی را با توجه به بازده آن در فعالیت‌های اقتصادی به کار می‌اندازند، باید از مهارت، استعداد و معلومات تخصصی نیز در پیشرفت سیاسی- اجتماعی استفاده کرد. امام علی (ع) می‌فرماید: «الناس ابناء ما یحسنون»؛ (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۰؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸۲؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۴۷؛ کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۱۸) مردمان فرزندان آن چیزند که آن را نیک انجام می‌دهند؛ یعنی همان‌گونه که انسان‌ها به پدران خویش نسبت دارند و با پدران و قدر و منزلت پدران خود، شناخته و قدر و منزلت می‌یابند، اشخاص نیز به کار، مهارت و تخصص خود نسبت داده می‌شوند و به اندازه کاردانی و مهارت‌های خود قدر و منزلت اجتماعی کسب می‌کنند. چنانچه می‌فرماید: «قیمه کل امری ما یحسنه» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۴۴)؛ ارزش هر کس به اندازه همان چیزی است که در آن خوب وارد است و در آن مهارت دارد.

پیشرفت اجتماعی و پویایی از آن جامعه‌ای خواهد بود که در آن، به نیروی انسانی اصالت داده شود و انسان کارآمد، محور توسعه گردد و برعکس، عدم رعایت شایستگی و اهلیت در گزینش نیروی کار و صرفاً مد نظر داشتن برخی ملاحظات شخصی، حزبی و گروهی و سنگین شدن کفه رابطه نسبت به ضابطه باعث ایجاد تهدید جدی برای پیشرفت جامعه می‌شود؛ به همین علت حضرت علی (ع) رعایت اصل شایستگی و گزینش کارگزاران با معیارهایی چون تعهد، تقوا، خلاقیت، تخصص و علم و آگاهی را ثمره اعتماد عمومی، اصلاح مفاسد و سر و سامان یافتن امور و به عبارتی پیشرفت سیاسی می‌داند. چنانچه تاکید ایشان بر گزینش صحیح افراد؛ ارزش‌یابی عادلانه که عین رعایت امانت است می‌تواند راهکار مهمی برای فراهم آوردن زمینه شایسته‌سالاری و ارتقای شغلی و افزایش بهره‌وری در کارها باشد. از این رو، ارزش‌یابی عادلانه و مستمر و تشویق نیروهای فعال در نهادهای مختلف به پیشرفت جامعه و تقویت فرهنگ کار و تلاش در همه ابعاد می‌انجامد (اسحاقی، ۱۳۹۰، ص ۲۹۴).

امام علی (ع) درباره آگاهی و تخصص علمی که یکی از دو حیث امانت‌داری است می‌فرماید: «العلم سلطان، من وجدهً صالحاً و من لم یجدهً صلیلاً علیه» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق)؛ علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به دست آورد، می‌تواند غلبه و پیشرفت کند و در مقابل هر کسی که آن را به دست نیاورد، عقب می‌ماند و بر او غلبه پیدا خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴). علی (ع) در بیانی دیگر فرمود: «یا کمیل! ما من حركة إلا و أنت محتاج فیها إلی معرفة» (ابن شعبه حرانی،

۱۴۰۴ق، ص ۱۷۲)؛ ای کمیل! هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو درباره آن نیازمند به شناخت و معرفت هستی». یا در جای دیگر ایشان می‌فرمایند: «... العامل بالعلم کالسائر علی الطریق الواضح» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۳۵)؛ هر کس با علم (دانایی و بصیرت) عملی انجام دهد، همچون کسی است که به راه راست به پیش رود» و امام صادق (ع) نیز شبیه به کلام جدشان فرموده‌اند: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق، لا یزیده سرعه السیر إلاً بعداً» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۲۱)؛ کارکننده بدون آگاهی و بصیرت، همچون رونده‌ای است در بی‌راهه، که هر چه تندتر رود از مقصد دورتر شود». بنابراین تخصص امری است که تمدن و پیشرفت بدون آن امکان‌پذیر نیست، همچنان که تعهد و ایمان نیز از عواملی است که تمدن و پیشرفت بدون آن نمی‌تواند تعالی پیدا کند. این دو امر، دو بال رسیدن به جامعه‌ای پیشرفته و زندگی شکوفا محسوب می‌شوند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۵۴۳).

نتیجه‌گیری

از مباحث گذشته این مطلب حاصل شد که پیشرفت اجتماعی رابطه مستقیمی با مقوله امانت‌داری و شایسته‌سالاری دارد، از سوی دیگر رکود آن نیز با سفته‌سالاری و خیانت مستقیماً در ارتباط است. چنانکه کلام ائمه (ع) نیز این مطلب را تأیید می‌نماید که می‌فرمایند: «و بالإیمان یعمر العلم» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۹)؛ به وسیله ایمان (باور و تعهد) است که علم و دانش آباد می‌گردد» و نشانه‌گر آن است که توأم بودن تعهد و تخصص برای حاصل شدن پیشرفت در کلام علی (ع) آشکار است و فقدان هر یک عامل رکود است. پس شخص حفیظ و علیم به‌جد می‌تواند امکانات و فرصت‌های بالقوه را به فعلیت برساند و در جهت پیشرفت و کارآمدی جامعه خویش گام بردارد و از مجموع روایات فوق به روشنی این نتیجه حاصل شد که پویایی و پیشرفت و همچنین رکود آن در گرو رعایت امانت با معیت دو مصداق آن می‌باشد. بنابراین دقت و بهره‌مندی از کلام خدای متعال و پیشوایان دین به عنوان راهکارهای اساسی برای مسئولین کشور برای امر پیشرفت جامعه در همه ابعاد از طریق حفظ امانت‌داری بسیار مهم است.

در آموزه‌های دینی بر نقش بسزای امانت‌داری افراد متصدی امر، برای ایجاد تحول و پیشرفت جامعه تأکید شده است. با توجه به کلام خدا و پیشوایان دین در رابطه با امانت که دارای دو مصداق تعهد و تخصص می‌باشد. فردی امانت‌دار تلقی می‌شود که دو مصداق آن را توأم در خود ایجاد می‌نماید. چنین فردی از منظر دین عامل پیشرفت همه‌جانبه جامعه خویش است. در مقابل فردی که فاقد یکی از دو مصداق امانت‌داری باشد نه تنها پیشرفتی برای جامعه حاصل نمی‌نماید بلکه جامعه را به سمت عقب‌گرد خواهد برد. بنابراین، طبق کلام خداوند، شخص حفیظ و علیم به‌جد می‌تواند امکانات و فرصت‌های بالقوه را به فعلیت برساند و در جهت پیشرفت و کارآمدی جامعه خویش گام بردارد؛ زیرا پیشرفت و پویایی از آن جامعه‌ای خواهد بود که در آن، به نیروی انسانی متعهد و متخصص اصالت داده شود و انسان کارآمد، محور توسعه گردد، همچنان که عدم رعایت شایسته‌سالاری متعهدانه و متخصصانه در گزینش نیروی کار و صرفاً مد نظر داشتن برخی ملاحظات شخصی که ثمره نادیده گرفتن امانت‌داری مسئولین امر است باعث ایجاد تهدید جدی برای پیشرفت جامعه می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ق). *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*. مصحح مجتبی عراقی. قم: دار سید الشهداء للنشر، ج ۱.
- ابن بابویه. محمد بن علی (۱۳۷۶). *الأمالی (للسدوق)*. تهران: کتابچی، چاپ ششم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). *دعائم الإسلام*. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۲.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. محقق و مصحح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.
- اسحاقی، حسین (۱۳۹۰). *مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی*. بی جا: نشر هاجر.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۷۴). *الغدیر*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- بروجردی، سید حسین (۱۳۸۶ق). *جامع احادیث شیعه*. تهران: فرهنگ سبز.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). *اسلام و محیط زیست*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت (ع). قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب (۱۴۱۸ق). *تسلية المجالس و زینة المجالس (مقتل الحسین علیه السلام)*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ج ۱.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰). *الحیاه*. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۸). *سایه سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهیان)*. قم: دفتر نشر معارف.
- دیلمی. حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)*. قم: الشریف الرضی، ج ۱.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۴۹). *ترجمه إرشاد القلوب*. مترجم هدايت الله مسترحمی. تهران: مصطفوی.
- سید باقری، سید کاظم (۱۳۹۴). *قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه (للسبحی صالح)*. محقق و مصحح: صالح صبحی. قم: هجرت.
- شیخ الصدوق (۱۳۷۵). *علل الشرائع*. قم: مکتبه الداوری، ج ۲.
- شیخ مفید (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. قم: چاپ کنگره شیخ مفید.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عبد الحمید بن هبة الله، ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق). *شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید*. محقق و مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- علامه حلی (۱۴۱۱ق). *کشف الیقین*. تهران: وزارت ارشاد.

- فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
- کراجکی، ابوالفتح (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. قم: دار الذخائر، ج ۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). کافی. تهران: دار الکتب اسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بی جا: انتشارات دار الاحیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۵). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). سیری در نهج البلاغه. تهران: صدرا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی